یادداشت روز

سراب سیراب نمی کند

۱- اردوگاه دروغ پس از آشکار شدن خسارت‌های اعتماد یکطرفه به غرب، به هر دستاویزی چنگ می‌اندازد تا واقعیت ملموس در زندگی مردم را پنهان سازد. عکس مذاکرات گروه هفت را که سران ۶ کشور روبه روی ترامپ ایستاده‌اند، بزرگ‌نمایی می کنند و می گویند «دیدید! بین آمریکا و اروپا شکاف افتاد؛ این هم عایدی برجام»! و توضیح نمی‌دهند که مگر آنها قبل از برجام اختلاف نداشته‌اند یا اختلاف و دعوای آنها بر سر برجام است؟ اختلاف سیاسی و تجاری دیرپای آنها چه دخلی به ایران دارد؟ یعنی با این شکاف، تحریم‌ها لغو می‌شود؟ شرکت‌های اروپایی برمی گردند؟ یا لااقل، قطعنامه‌ای علیه آمریکا به شورای امنیت می‌برند؟!

۲- همین‌ها، با برجسته کردن مذاکرات کره شمالی و آمریکا که نتایج عملی و سرانجام آن در هاله‌ای از ابهام است، می کوشند به منطق مرده اعتماد به آمریکا تنفس مصنوعی بدهند. کره شمالی و آمریکا تا به حال چند بار توافق کرده و هر بار زیرش زده‌اند. اما غربگرایان باید پاسخ دهند آیا ادعای آمریکا درباره دادن تضمین امنیتی به کره، مفیدتر از «معاهده نظامی» است که توئی بلر نخست‌وزیر انگلیس با قذافی امضا کرد تا در صورت وقوع هر نوع حمله‌ای از لیبی دفاع کند اما انگلیس، پیشگام حمله به لیبی بود؟! البته سخنگوی دولت به درستی گفت «کره شمالی با چه کسی می‌خواهد مذاکره کند؟ آیا این فردی که در هواپیما با یک توییت، نشست سران گروه هفت را دچار اخلال می کند، قابل اعتماد است؟ ارزش وقت بیشتر از صحبت کردن با شخصی مانند ترامپ است».

۳- استخوان گیر کرده در گلوی آمریکا، ایران است نه کره شمالی. طبق گزارش‌های متعدد محافل غربی، ایران هجدهمین قدرت اقتصادی، هشتمین قدرت نظامی، سیزدهمین قدرت سیاسی دنیا و سرجمع، قدرتی است که توانسته ترمز آمریکا و اعوانش را در عراق و سوریه و لبنان و یمن بکشد و حتی روسیه منفعل در چند سال قبل را در سوریه پای کار آورد. نشریه آمریکن اینترست یک سال قبل از قول استراتژیست‌ها نوشت «ایران در سال ۲۰۱۷ در کنار آمریکا، چین، ژاپن، روسیه ، آلمان و هند، هفتمین قدرت بزرگ دنیاست». طی دهه اخیر، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، اقتصاد ایران را هفدهمین یا هجدهمین اقتصاد بزرگ دنیا ارزیابی کرده‌اند. همچنین در نظرسنجی از ۲۱ هزار نفر از سیاستمداران، مدیران و نخبگان آمریکایی که هرسال توسط US News انجام می‌شود، جمهوری اسلامی ایران در رتبه ۱۳ قدرتمندترین کشورها قرار گرفت. مراکز معتبر بین‌المللی، سرعت رشد علمی ایران را ۱۳ برابر متوسط جهانی اعلام کرده‌اند و مقامات رژیم صهیونیستی می گویند ایران پس از انقلاب ۱۹۷۹، بیست برابر سرعت اسرائیل، رشد فنی و علمی داشته است.

۴- چالش و مشکل واقعی از آنجا آغاز شد که طیف‌هایی در اثر وسوسه و تهدید دشمن و برخی ریزش‌های روحی و اعتقادی، دشمن را قوی‌تر از آنچه هست دیدند و توانمندی‌های جبهه خودی را یا ندیدند و یا به خاطر عملیات روانی دشمن، تهدید و زحمت و دردسر پنداشتند. در این فرآیند، دولت با عدم اعتماد به نفس لازم و منفصل فکری از اقتدار جمهوری اسلامی پای مذاکره رفت. وسوسه خناسان هم -مبنی بر وقوع معجزه در صورت بستن با غرب- در این روند معیوب موثر بود. اکنون بعد از ۵ سال فرصت‌سوزی و آرزواندیشی، نسبت آرزو با واقعیت، همان مثال آیه ۳۹ سوره نور است. «کَسَرَابٍ بِقِیعَةٍ یَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ مَاءً حَتَّی إِذَا جَاءَهُ لَمْ یَجِدْهُ شَیْئًا... مانند سرابی در بیابان بی‌آب که شخص تشنه، آن را آب پندارد؛ تا زمانی که به آن رسید، هیچ نیابد».

۵- امروز کمتر کسی در سراب بودن معامله با شیطان بزرگ تردید دارد. اکنون حباب "رونق اقتصاد از مسیر بی‌عملی و بستن با شیطان بزرگ" ترکیده است. واگذاری ۹۵ درصد دستاوردهای برنامه هسته‌ای به کنار؛ دلار ۳۳۰۰ تومانی سال ۹۲، ظرف چند ماه به ۷ هزار تومان در اسفند ۹۶ رسید؛ سکه طلا که تابستان پارسال ۱/۲ میلیون تومان بود، به دو میلیون و چهار صد هزار تومان صعود کرد و قیمت مسکن ظرف یک سال، از صدقه سر برجام ۳۵ درصد افزایش یافت. مدیران ذیربط می گویند تورم بازار مسکن و ارز و سکه و طلا و خودرو، حباب است. بله قطعا حباب است اما این اعتیاد روانی را چه کسانی زیر پوست جامعه تزریق کردند؟ و چرا امروز به جای عمل به مسئولیت ، فقط تماشاچی شده‌اند و همه چیز را به حباب نسبت می‌دهند؟ به یاد بیاوریم نیش و کنایه‌های رئیس‌دولت را که در سفرهای تبلیغاتی انتخابات ۹۶ می‌گفت «صبح نمی‌دانستیم ساعت ۱۱ یا ۱۲ ظهر قیمت دلار چقدر می‌شود (کف و سوت حضار:... دوست داریم). نمی‌دانستیم قیمت سکه چند می‌شود». او پیش از انتخابات ۹۲هم درباره افزایش قیمت ارز گفته بود «مشکل کجاست؟ مشکل، عدم مشورت، خودشیفتگی وعدم استفاده از ابزار علمی برای مدیریت است».

۶- اکنون نه تنها از ۱۵۰ میلیارد دلار پولی که باید به کشور باز می‌گشت، خبری نیست بلکه به واسطه اتکا به دیوار دشمن و تشجیع او به خباثت‌های جدید ، اقتصاد ملی با وجود ظرفیت‌های فراوان، آسیب پذیر شده است. سراب یعنی اینکه برخی مقامات دولتی تصور یا وعده می کردند با برجام ۲۰۰ میلیارد دلار سرمایه خارجی به کشور می آید اما طبق گزارش اخیر روزنامه دولت (ایران) «سال گذشته ۳۰ میلیارد دلار سرمایه از کشور خارج شد. طبق محاسبه صندوق بین‌المللی پول، رکورد خروج سرمایه سال ۸۹، در سال ۹۶ شکسته شد»! حباب یعنی ۷ هزار تومان شدن دلار به جای رویای دلار ۱۰۰۰ تومانی، دو برابر شدن قیمت سکه، افزایش ۳۵ درصدی قیمت مسکن و بی‌سر و سامانی بازار خودرو در تاخت و تاز دلالان و محتکران غیردولتی و دولتی! آیا با تعلیق دولت و تکالیف و مسئولیت‌های آن روبرو هستیم؟ یا بدخواهان مایلند با سرگرم کردن مدیران اجرایی به حاشیه‌ها و رسیدگی نکردن به مشکلات، ضرورت ادامه روند واگذاری امتیازهای یکطرفه و جدید به دشمن را ثابت کنند؟!

۷- زمانی بحث بر سر این بود که آیا برجام، عایدی برای کشور دارد یا نه؟ اما امروز باید بررسی کرد خسارت‌های آن به کشور چه قدر بوده است؟ دم دستی‌ترین پاسخ، تصاعد انفجاری قیمت‌ها در یک سالی است که قرار بود باغ برجام به ثمر بنشیند و مردم شیرینی میوه آن را بچشند. اما عمق فاجعه آنجا بود که مدیران و فعالان اقتصادی و تولید کنندگان و صاحبان سرمایه، به خاطر هیجان تبلیغات برجامی، گرفتار بی‌عملی و تعلیق و انتظار شدند و قدرت اقتصاد ملی به اعتبار کاهش تدبیر و تولید و تجارت، دچار ضعف شد. تصور کنید اگر از قهرمان دوی صد متر بخواهند هیچ حرکتی نکند و منتظر بماند -یا بترسانند و مجبورش کنند هیچ حرکتی نکند- آیا بعد از پنج سال می‌تواند از جایش تکان بخورد؛ دویدن و مسابقه پیشکش؟! رخوتی که ظرف پنج سال اخیر تزریق شد، چرخ کُند اقتصاد و تولید را از حرکت انداخت و روحیه و رمق تدبیر و طراحی و تولید را تضعیف کرد. گشودن دروازه واردات برای طمطراق بخشیدن به بازار و پر کردن چشم مردم، ضربه بعدی را به اقتصاد ملی زد و میلیون‌ها شغل را از بین برد.

۸- در همین حیص و بیص که مردم انتظار تلاش شبانه‌روز برای گشودن گره‌های قابل حل اقتصاد و کسب و کار را دارند، خبر می‌رسد هیئت دولت وقت گذاشته و محل‌های مناسب تجمعات را مشخص کرده است! آیا منطقا باید برای تبدیل مخالف و معترض به موافق تلاش کرد یا با بدعملی و کم توجهی به مطالبات توده‌های موافق نظام، آنها را ناراضی و معترض نمود؟! واقعا برای مسائل اولویت‌دار چاره‌اندیشی کرده‌اند که تعیین مکان برگزاری تجمعات را اولویت می‌دهند؟ در شرایطی که تقریبا به حال خود رها شده و دلالان حرف اول را می‌زنند، آیا دولت، مشکلات کارمندان و کارگران و معلمان و کشاورزان و... را نمی‌داند و می‌خواهد با تمهید تجمعات مطلع شود؛ تجمعات که همواره بی‌مزاحمت دایر بوده است؟!

۹- اکنون که بدعهدی‌های اروپا و اعلام بازگشت برخی شرکت‌ها علنی شده، تکلیف چیست؟ باز هم گردن کج کنیم و بازه زمانی مهم دیگری را از دست بدهیم و به دشمن اجازه بدهیم زمان بخرد؟ یا اینکه بر مبنای ناامیدی از غرب که منطقی واقع‌نگر دارد، امید حقیقی را بارور سازیم؟ ما اگر در کره جنوبی و ژاپن هم زندگی می‌کردیم، نسخه بی‌بدیل، اقتصاد مقاومتی درونزا بود. از دولت سازندگی به این سو هر وقت بحث احیای ظرفیت‌های معطل به میان آمده، تکنوکرات‌های سهل‌اندیش گفته‌اند کدام ظرفیت بالفعل وجود دارد که بتوانیم به خدمت بگیریم؟ همواره با روحیه آماده‌طلبی و حاضری‌خوری (نگرش فست‌فودی) که از بی‌طاقتی و نگرش نوک دماغی بر می‌خیزد، به جذب محصول و سرمایه خارجی چشم دوخته‌اند. متاسفانه غالبا رویکرد چشم پرکن که در آن رونق بازار با واردات انبوه و بی‌زحمت کالا، حرف اول و آخر را می‌زند، همواره بر درمان آمیخته با زحمت بیماری اقتصاد طفیلی چربیده است.

۱۰- در حالی که ۶-۷ سال پیش چوب وابستگی خودرویی را در ماجرای بدعهدی شرکت‌های پژو و رنو خورده بودیم و بازار با آن کنار آمده بود، بلافاصله پس از برجام سراغ همان شرکت‌های فرانسوی رفتیم و بازاری را که می‌توانست از وابستگی خود بکاهد ، مجددا معتاد کردیم تا جایی که تحریم دشمن به جای اینکه در صورت درگیر شدن با معیشت مردم، خود را نشان بدهد، از طریق بازار خودرو خودنمایی می کند! به‌راستی چرا حتی یک قرارداد که دانش فنی یا فعالیت‌های مبتنی بر ارزش افزوده را به ایران بیاورد، منعقد نشد اما آمریکا به فرانسه و دیگران اجازه داد در حوزه صادرات مصرفی به ایران، بی‌دریغ فعال باشند؟

۱۱- آلمان و ژاپن و کره و هند برای بازسازی اقتصاد خود تا مدت‌ها در واردات را به‌ویژه آنجا که ارز و سرمایه و فرصت اشتغال را نابود می کرد، بستند. بلکه همچنان پنجره واردات را با سخت‌گیری و به شکل محدود باز می کنند. اما دو سه سال پیش خبرنگار نشریه اسپانیایی پس از سفر به تهران با تعجب نوشت «چه کسی می گوید ایران تحریم است؟ من اثری از تحریم ندیدم. مگر می‌شود کشوری تحریم و دچار محدودیت منابع باشد اما جزو رکورددارن واردات لوکس مثل پورشه و لوازم آرایشی و انواع گوشی‌ها و ساعت‌های گران‌قیمت در خاورمیانه قرار گیرد؟!».

۱۲- پروفسور هاجون چَنگ شهروند کره جنوبی که از سال ۱۹۹۰ دانشگاه کمبریج تدریس می‌کند، درکتاب «نیکوکاران نابه‌کار» می‌نویسد «صادرات کره جنوبی در دهه ۱۹۵۰ تنگستن و ماهی بود و شرکت سامسونگ ماهی و سبزیجات و میوه صادر می‌کرد... در مدارس به ما می‌آموختند وظیفه میهنی ما حکم می‌کند کسانی را که سیگار خارجی می‌کشند، گزارش کنیم. ارز به‌راستی خون و عرق جبین سربازان صنعتی ما در جنگ صنعتی بود. کسانی که با خرید بیهوده ارز را هدر می‌دادند، خائن به‌شمار می‌رفتند. هزینه کردن غیرضروری ارز ممنوع بود، حتی خرید خودروهای کوچک و نوشیدنی و شیرینی. این کار از طریق اعمال ممنوعیت‌های وارداتی و عوارض سنگین گمرکی صورت می‌گرفت. سفر خارجی جز با مجوز معامله تجاری یا تحصیل ممنوع شد... کره دهه‌ها از حمایت‌های تعرفه‌ای و یارانه‌ای استفاده کرد تا صنایع بتوانند در رقابت بین‌المللی دوام بیاورند. دولت روی ارز کمیاب کنترل مطلق اعمال کرد و تخلف از آن می‌توانست مجازات مرگ در پی داشته باشد... ژاپن زمانی خودروی بنجل تولید می‌کرد و با شکست روبه‌رو شد. بسیاری گفتند تویوتا باید به همان تولید ماشین‌های ساده نساجی و ابریشم برگردد و بعد ۲۵ سال ناتوانی، تولید خودرو را رها کند. اما دیگران گفتند هیچ کشوری بدون ایجاد صنایع مهم به جایی نرسیده. حالا تویوتا نه تنها از ورشکستگی درآمده بلکه برند لکسوس در دنیا تولید می‌کند... سرمایه‌گذاری خارجی به مثابه معامله با شیطان، بیش از آنکه مزایایی با خود بیاورد، با خطرات همراه است و می‌تواند توسعه را با مشکل مواجه کند». آیا عبارات یک پروفسور لائیک کره ای، رگ غیرت برخی مدیران غافل ما را می‌جنباند؟

محمد ایمانی

نیویورکر فاش کرد

جزئیات همکاری آمریکا، رژیم صهیونیستی، عربستان و امارات برای مقابله با ایران

نشریه آمریکایی نیویورکر در گزارشی جزئیات همکاری میان عربستان سعودی، امارات، رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران را فاش کرد.

نشریه آمریکایی نیویورکر با انتشار گزارشی با عنوان «نظم نوین جهانی در دوران ترامپ» در پایگاه اینترنتی خود، به بررسی این موضوع پرداخت که چگونه کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به همراه رئیس‌جمهور آمریکا و رژیم صهیونیستی جبهه جدیدی را علیه ایران تشکیل داده اند و موضوع فلسطینیان را به فراموشی سپرده‌اند.

در این گزارش با اشاره به خدمات دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا، به رژیم صهیونیستی و حمایت‌هایی که دولت وی از این رژیم داشت- برای مثال وتوی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۱ که خواستار محکومیت شهرک‌سازی صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی بود و تلاش اوباما برای ناکام گذاشتن فلسطینی‌ها در پیوستن به دادگاه بین‌المللی جنایی- آمده است با این حال، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و ران درمر، سفیر اسرائیل در واشنگتن در روزهای پایانی ریاست جمهوری اوباما برای فرا رسیدن لحظه‌ای که او کاخ سفید را ترک کند و جایش را به ترامپ بدهد، لحظه‌شماری می‌کردند.

در ادامه گزارش با اشاره به تلاش‌های باراک اوباما برای برقراری رابطه میان سران رژیم صهیونیستی و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس آمده است این کشورها تماس با مقامات تل‌آویو را بر نمی‌تابیدند، اما محمد بن زاید، ولیعهد امارات، که معتقد بود اسرائیل و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس دشمن مشترکی به نام ایران دارند، نظر دیگری در این مورد داشت. سال ۲۰۰۹ میلادی و مدتی پس از راهیابی اوباما به کاخ سفید سران امارات در همسویی با مواضع رژیم صهیونیستی دولت اوباما را برای مقابله با آنچه تهدیدات ایران می‌خواندند، تحت فشار دادند.

به گزارش باشگاه خبرنگاران، نگارنده مطلب با اشاره به نشست میان سفرای امارات و رژیم صهیونیستی در آمریکا در هتل جورج تاون، به نقل از یک مقام سابق آمریکایی تصریح کرده است نشست مذکور بیانگر سطحی واقعی و عملی از روابط میان تل‌آویو و ابوظبی بود؛ روابطی که فراتر از تبادل اطلاعاتی صِرف بود.در ادامه گزارش نیویورکر با اشاره به وقفه‌ای که در روابط میان امارات و رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۰ میلادی در نتیجه عملیات سازمان جاسوسی رژیم صهیونیستی (موساد) در ابوظبی، پیش آمد و همچنین خودداری اسرائیل از اجابت درخواست امارات مبنی بر فروش پهپادهای مسلح به این کشور و شکست تلاش‌های هیلاری کلینتون و جان‌کری، وزرای خارجه دولت اوباما برای ازسرگیری گفت‌وگوهای به اصطلاح صلح میان فلسطینی‌ها و اسرائیل، آمده است پس از شکست کری در این راه، نتانیاهو از مشاورانش خواست بر روی برقراری تماس با کشورهای عربی متمرکز شوند. پس از مرگ ملک عبدالله (پادشاه سابق عربستان سعودی) در نود سالگی، افراد جدیدی در عربستان به قدرت رسیدند؛ برای مثال محمد بن سلمان ۲۹ ساله که بعدها به عنوان ولیعهد سعودی منصوب شد، از نظر ایدئولوژیک به اسرائیل نگاه نمی‌کرد و با این (رژیم) مواضع مشابهی در قبال ایران داشت. او بارها در محافل خصوصی درباره تمایل خودش برای برقراری رابطه کامل با اسرائیل سخن گفته بود. از سوی دیگر، محمد بن زاید، ولیعهد امارات، نیز در گفت‌وگوهای خود با مقامات آمریکایی و لابی‌های صهیونیست در آمریکا با تحقیر سران فلسطینی برای پایان یافتن هر چه سریع‌تر بحران میان اسرائیل و فلسطین راغب بود؛ حتی اگر راه حل به اصطلاح صلح، با نارضایتی فلسطینی‌ها همراه می‌شد.

در بخش دیگری از این گزارش نیز آمده است مقامات آمریکایی سال‌ها به ادعاهای اسرائیل درخصوص توانایی این رژیم برای برقراری رابطه با کشورهای(عربی) حوزه خلیج فارس با دیده تردید می‌نگریستند. اما در اواخر دوره دوم ریاست جمهوری اوباما، سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا از تماس‌های تلفنی میان سران تل آویو و ابوظبی- از جمله گفت‌وگوی تلفنی میان نتانیاهو و یکی از سران اماراتی- مطلع شدند. پس از آنکه سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا به دیدار میان سران اسرائیل و امارات در قبرس پی بردند، مقامات واشنگتن به این نتیجه رسیدند که شخص نتانیاهو در این نشست که محور گفت‌وگوهای آن راه‌های مقابله با ایران بوده، حضور داشته است. این در حالی است که هیچ یک از سران اسرائیلی و اماراتی دولت اوباما را در جریان این دیدار قرار نداده بود. یکی از مقامات سابق وزارت خارجه آمریکا در این باره می‌گوید: آنها به ما حقیقت را نگفتند. اینکه موضوعی را از عموم مخفی نگه داریم یک مسئله است اما پنهان کردن آن از آمریکا- به اصطلاح نزدیک‌ترین متحد هر دو طرف- مسئله دیگری است. درمر و یا العتیبه برگزاری چنین دیداری را تأیید نکردند.

در ادامه گزارش با اشاره به همکاری‌های نظامی عربستان سعودی، امارات و مصر با رژیم صهیونیستی در صحرای سینای مصر آمده است نتانیاهو امیدوار است با گسترش چنین همکاری‌هایی، در نهایت سران عربستان و امارات علاوه بر محافل خصوصی به طور علنی و رسمی نیز اسرائیل را به رسمیت بشناسند؛ اقدامی که باعث انزجار فلسطینی‌ها در شرایط جاری خواهد شد. این گزارش می‌افزاید در نهایت مردم فلسطین احتمالا بازندگان «خاورمیانه جدید» باشند.

برگزاری نماز عید سعید فطر به امامت رهبر معظم انقلاب در مصلا

نماز عید سعید فطر به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی در مصلای امام خمینی(ره) اقامه خواهد شد.

محمدباقر پیشنمازی، رئیس‌ستاد برگزاری نماز عید سعید فطر با بیان اینکه نماز عید سعید فطر به امامت رهبر معظم انقلاب اسلامی در مصلای امام خمینی(ره) اقامه خواهد شد، گفت: پس از تأیید و اعلام روز عید از سوی دفتر رهبر معظم انقلاب، درهای مصلای امام خمینی(ره) از ساعت ۵ صبح به روی نمازگزاران باز می‌شود.

وی با اشاره به اینکه ویژه‌برنامه‌های متنوعی در مصلای امام خمینی(ره) برای پذیرایی و استقبال از نمازگزاران تدارک دیده شده است، افزود: مراسم نماز روز عید سعید فطر (احتمالا صبح جمعه) از ساعت ۷ صبح و با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز خواهد شد.

به گزارش تسنیم، پیشنمازی ابراز داشت: نماز عید سعید فطر نیز حدود ساعت ۸:۳۰ به امامت حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی اقامه می‌شود. رئیس‌ستاد برگزاری نماز عید سعید فطر افزود: برای پرداخت زکات فطره نمازگزاران نیز صندوق‌های کمیته امداد امام خمینی(ره) در اطراف محل برگزاری نماز در نظر گرفته شده است.

وی گفت: سامانه پیامکی ۶۸۶۸ این ستاد آماده دریافت انتقادات و پیشنهادات قبل و بعد از برگزاری نماز عید سعید فطر است.

پیشنمازی بیان داشت: برای نمازگزارانی که با خودروی شخصی به مصلای امام خمینی(ره) می‌آیند، پارکینگ‌هایی در اطراف این مصلا در نظر گرفته شده است که شامل پارکینگ عباس‌آباد در جنوب، پارکینگ بیهقی در شمال غربی، پارکینگ‌های گلگشت، مجتمع امام خمینی(ره) (صدرا) و بنیاد مستضعفان و جانبازان در شمال است. رئیس‌ستاد برگزاری نماز عید سعید فطر گفت: محل برگزاری نماز از صحن اصلی در جنوب شبستان شکل می‌گیرد و به‌سمت شمال مصلا و خیابان‌های شمالی امتداد پیدا خواهد کرد.

پیشنمازی ابراز داشت: برای ورود نمازگزاران عید سعید فطر به مصلا، درب‌های مختلفی در نظر گرفته شده است که آقایان می‌توانند از درب‌های شماره ۳ و ۴ در جنوب مصلا و شماره ۱۸ در شمال مصلا و خانم‌ها نیز از درب‌های شماره ۱۲ تا ۱۵ در شرق و شماره ۲۰ در شمال وارد مصلا شوند. وی افزود: همچنین درب‌های شماره ۱۷ و ۱۹ به‌صورت مشترک برای آقایان و خانم‌ها در نظر گرفته شده است.

پیشنمازی همچنین گفت: محل استقرار اتوبوس‌ها و ون‌ها برای انتقال نمازگزاران نیز توسط پلیس راهور اعلام می‌شود و برای برگزاری هرچه باشکوه‌تر مراسم نماز عید سعید فطر، نهادها و دستگاه‌های مختلف در این روز خدمات ویژه ارائه خواهند کرد.

خبر ویژه

شوخی آماری دولت با نرخ تورم واقعی!

نرخ‌هایی که مراکز دولتی اعلام می‌کنند، شوخی با نرخ تورم است.

این مطلب را روزنامه فرهیختگان منتشر کرد و نوشت: خانواده‌های ایرانی با سطح درآمد متوسط و پایین، این روزها، بیش از سایر اقشار جامعه متحمل افزایش قیمت کالاهای اساسی و گرانی بی‌حساب و کتاب اقلام موردنیازشان شده‌اند. یکی دو ماهی است که قیمت بسیاری از کالاهای اساسی موجود در بازار، چه خودسرانه و چه منطقی، افزایش داشته است. آن تعداد از فروشندگان که قیمت کالاهای خود را خودسرانه افزایش داده‌اند، افزایش قیمت دلار و نوسانات بازار ارز را عامل گرانی می‌دانند و با این بهانه، افزایش قیمت اقلام موجود در بازار را توجیه می‌کنند. این درحالی است که مسئولان بخش‌های دولتی و نظارتی در یکی دو ماه گذشته، قاطعانه اعلام کرده‌اند که بازار تحت کنترل است و به هیچ‌کس اجازه افزایش خودسرانه قیمت‌ها و اجحاف در حق مصرف‌کننده را نداده‌اند.

اما آنچه در واقعیت وجود دارد با گفته‌ها و وعده و وعیدهای مسئولان در تضاد است، چراکه افزایش قیمت‌ها در بازار از یک سو و عدم نظارت و کنترل دولت از سوی دیگر، به خوبی محسوس است. مصداق بارز این گفته افزایش ۱۰ تا ۱۵ درصدی قیمت لبنیات در مدت اخیر است.

براساس جدیدترین گزارش مرکز آمار قیمت گوشت گوسفند در هفته منتهی به ۲۸ اردیبهشت نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۸/۲ و گوشت گاو نیز ۱۹ درصد گران شده است. همچنین تخم‌مرغ ۵۱ درصد نسبت به سال گذشته رشد قیمت داشته است. قیمت تخم‌مرغ در بازه مورد اشاره مرکز آمار یعنی هفته منتهی به ۲۸ اردیبهشت ۹۷ در مقایسه با هفته منتهی به ۲۸ فروردین ۹۷ افزون بر ۱۲/۳ درصد افزایش یافته است. قیمت شیر نیز در بازه یاد شده ۵/۵ درصد افزایش یافته است.

نمود عینی بی‌توجهی دولت به کنترل قیمت‌ها و نظارت بر بازار را می‌توان بر قیمت کالاهایی که تنها در طول یک هفته افزایش قیمت داشته‌اند، مشاهده کرد. مرکز آمار خلاصه نتایج گزارش هفتگی متوسط قیمت خرده‌فروشی برخی مواد خوراکی را در هفته منتهی به ۲۸ اردیبهشت منتشر و اعلام کرد که طی آن قیمت هشت گروه نسبت به هفته قبل از آن افزایش یافته است. برای مثال در هفته گذشته نرخ لبنیات ۰/۲درصد، برنج ۱/۶ درصد، حبوب ۰/۳ درصد، میوه‌های تازه هفت درصد، سبزی‌های تازه ۱/۵ درصد، گوشت قرمز ۰/۲ درصد، گوشت مرغ ۱/۲ درصد و چای ۰/۹ درصد افزایش یافته است.

از نگاه کارشناسان وصاحب‌نظران اقتصادی، گرانی کالاهای اساسی، سبد کالایی خانوارها را روزبه‌روز کوچک‌تر و زندگی را برای طیف وسیعی از مردم سخت‌تر می‌کند. در این میان گرانی مسکن که در حدود ۳۵ درصد از هزینه خانوارهای ایرانی را تشکیل می‌دهد، حق صرف هزینه در قسمت‌های دیگر ازجمله آموزش و سرگرمی را سلب کرده است.

روحانی گرفتار مسیریابی نادرست است

مدعیان تدبیر و امید گرفتار مسیریابی نادرست شده‌اند.

این مطلب را روزنامه صبح‌نو ضمن تحلیلی مورداشاره قرارداده و می‌نویسد: در نخستین سالگرد انتخاب مجدد آقای روحانی و گزینش شورای شهر جدید، همه‌چیز نشان از نادرستی مسیرهای اصلی در طراحی این دو برنامه سیاسی دارد؛ درست وقتی سعید حجاریان، طراح ارشد سر و شکل فعلی دولت، و آقای غلامحسین کرباسچی، طراح ارشد سر و شکل شورای شهر، به کل، ابراز نارضایتی از دو برآورده طراحی‌های خود می‌کنند.

وقتی دکتر سعید حجاریان در یک طراحی تازه رادیکال، از برکناری آقای روحانی سخن می‌گویند! لرزه بر اندام ما می‌افتد، چرا که بی‌گمان او تنها یک تحلیلگر سیاسی یا اجتماعی نیست؛ او یک مقام ارشد امنیتی سابق است که علی‌الاصول هنوز همدستی در پس امور دارد و همواره بعید تصور می‌شده است که عملاً دست به پیاده کردن طراحی‌های خود نزند. بنابراین، همواره گمان بر این بوده است که وقتی او تحلیلی ارائه می‌دهد، باید دنبال دست‌هایی بود که برای جامه عمل پوشاندن به آن تحلیل‌ها به حرکت در می‌آیند؛ و وقتی سخن از برکناری رئیس‌جمهوری هموار می‌شود، درمی‌یابیم که ذهنیت چپ رادیکال به حداکثر آشوب تن سپرده است.

به همین قواره، وقتی آقای غلامحسین کرباسچی که صدر طراحی لیست امید شورای شهر بود (مطابق آنچه از افشاگری روزنامه آفتاب یزد در مورد چینش کرسی‌های دو میلیارد تومانی فهرست امید برآمد)، مهم‌ترین دست‌پخت شورای شهر را که شهردار باشد، هدف تندترین انتقادات ممکن قرار می‌دهد، باید پذیرفت که مسیر تدبیر و امید به دشواری‌هایی برخورده است که نیاز به تنظیم مجدد دارد.

در هفته گذشته نقل قول تکان‌دهنده سوم از دکتر محمد جواد ظریف برآمد و همه را غافلگیر کرد و نشان داد که مهم‌ترین هدف‌گذاری در گفتمان «تدبیر و امید» عمیقاً از واقع‌نگری به دور بوده است؛ دکتر محمد جواد ظریف فرمودند «برجام، بیماری در حال مرگ است که در آی‌سی‌یو و شرایط بسیار سختی قرار دارد.» این را آقای محمدرضا رضایی‌کوچی، رئیس کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی از حضور دکتر ظریف نقل کرد و بالاخره نشانه چهارم، نشانگر شورش سراسری علیه «طرح تحول نظام سلامت» بود که تنها پروژه موفق دولت تدبیر و امید با رضایت ۸۰درصدی مردم تلقی می‌شود. به‌رغم این موفقیت، پس از حملات بیمه‌ها و شایعه شکرآب وزارت بهداشت و وزارت رفاه، تهاجم دکتر مسعود پزشکیان، نایب‌رئیس‌پر نفوذ مجلس شورای اسلامی، و همچنین، توقف تخصیص یارانه ارزی دارو، نشان دیگری از به محاق رفتن مسیر دولت تدبیر و امید است.

مجموع این نشانه‌ها به دکتر حسن روحانی که سیاستمدار ارشد این مسیر است، گوشزد می‌کند که باید نقش خود را ایفا کنند، و دست به تنظیم مجدد مسیرها و ریل‌ها بزنند. این چیزی است که هم‌اکنون از ایشان انتظار می‌رود.

شاخص‌ها و نشانه‌های روشنی باید در دست سیاستمدار ارشد باشد، تا بتواند به موقع و به درستی دست به اصلاح مسیرها بزند؛ یکی از نشانه‌های مسیر نادرست سیاسی این است که با وجود تلاش سخت، نتایج رضایت‌بخشی نداریم؛ خصوصاً اگر دستاوردهای ما در مقایسه با دستاوردهای رقبا طی دو یا سه دوره تلاش، نقصان داشت، باید نتیجه بگیریم که این میدان، میدان حقیقی عمل ما نیست و باید مسیرها را بهبود بخشید یا تغییر داد.

نشانه بعد این است که زیاد در دو راهی تصمیم‌گیری و مصلحت‌سنجی گرفتار می‌شویم. این نشان از آن دارد که مسیر انتخابی ما با اعتقادات و باورهای اصولی ما در تضاد است. این نحو مسیرها، اغلب با انگیزه‌هایی مانند موقعیت انتخاباتی، پرستیژ سیاسی و گروکشی از رقبای داخلی یا خارجی سیاسی آغاز می‌شوند، اما ادامه چنین مسیر حساب نشده‌ای، مدام مجبور به قمار بیشتر منابع می‌شویم، شاید جاه‌طلبی‌های اولیه تشفی یابند. این نحو سیاست‌ورزی، بیشتر شبیه یک نحو قمار است و هر چه زودتر آن را قیچی کنید، زودتر رستگار خواهید شد. ادامه حضور در چنین مسیرهای سیاسی‌اشتباهی منجر به استهلاک روحی و معنوی سیاستمدار می‌شود و نشانه چنین وضعی، پرخاش مستمر به دیگران و منتقدان است.

اگر به جای آمریکا، ایران از برجام خارج می‌شد اروپا همین قدر خویشتندار بود؟

رفتار اروپا در قبال خروج آمریکا از برجام منافقانه است. اگر به جای آمریکا، ایران از برجام خارج می‌شد، اروپا چه می‌کرد؟

دکتر محمدباقر خرمشاد با طرح این پرسش، به روزنامه جام‌جم گفت: اگر به تاریخ رجوع کنیم، اروپاییان قابل اعتماد نبوده و از سابقه خوبی بویژه در مذاکراتی که طی حدود ده سال گذشته داشتیم، برخوردار نبوده و به تعهداتشان پایبند نبودند. هر چند آنها بهانه‌هایی از جمله زمانبر بودن انجام تعهدات یا مشکل بودن تصمیم‌گیری در اروپا را مطرح می‌کنند اما در نهایت رفتار آنها در مورد برجام آزمون بزرگی برای غرب است که خود را چند قرن رهبر جهان می‌داند و شاید هیچ‌گاه مانند امروز در معرض آزمون سختی در مقابل دیده‌های جهانیان قرار نگرفته بود، اروپا در شرایطی قرار گرفته که شاید برخلاف سنوات قبل که به صورت متحد آمریکا کار می‌کرده در معرض تحقیر جدی از سوی آمریکاست.

امروز معامله اروپا با آمریکا، آزمون دیگری برای اوست که نه در جهت منافع ما، بلکه باید در جهت حفظ اعتبار خود به تعهداتش عمل کند.

وی در ادامه گفته است: اگر ایران از برجام خارج می‌شد عکس‌العمل طرف اروپایی چه بود؟ قطعا یکی از اقدامات آنها این بود که انگلیس و فرانسه حتما بانی صدور قطعنامه‌ای علیه ایران در شورای امنیت شده و علیه کشورمان موضعگیری و ما را محکوم می‌کردند.

بنابراین در حال حاضر که آمریکا اقدام به خروج از برجام کرده است، انتظار می‌رود همین اتفاق بیفتد و اروپا آن را محکوم کند.

خرمشاد می‌گوید: دولت دچار همان ضعف و محافظه‌کاری مفرطی در مقابل خروج آمریکا از برجام شده که در گذشته هم با همان ضعف پیش رفته بود. ایران می‌توانست بعد از خروج آمریکا از برجام اعلام کند در حال حاضر در برجام مانده و منتظر عکس‌العمل اروپا می‌ماند؛ اما در عین حال برخی تعهدات را تعلیق می‌کند. به عنوان مثال می‌توانستیم اعلام کنیم محدودیت‌هایی را که درخصوص تحقیق و توسعه پذیرفته‌ایم به صورت تعلیق در می‌آوریم و کار تحقیقاتی روی سانتریفیوژهای جدید را شروع می‌کنیم تا ببینیم اروپا چه کار می‌کند.

همین اقدام را می‌توانستیم در همان مقطعی که شاهد نقض عهدهای آمریکا بودیم انجام دهیم؛ چراکه بر اساس برجام اگر طرفی به بخشی از تعهداتش عمل نکند طرف دیگر می‌تواند به بخش یا تمام تعهداتش عمل ن